



ارزیابی شتابزده زنانی که در تاریخ ایرانیان حماسه آفریدند

همتی به بلندای زنانگی گردآفرید

گرچه خلقت بشر از آفرینش یک مرد آغاز می شود، اعتقاد به وجود زن در شکل گیری نظام های اجتماعی مهم است، به طوری که در بین النهرین، مهد تمدن ها، زن را آفریدگار حیات می دانستند و سندی این مطلب هنر برجای مانده از این مناطق است که همواره خدایگانی به هیبت زنان تجسم می کرده اند. بخشی از حیات بشریت به ویژه در آن زمان که جنگ ها تن به تن بود بر عهده زنانی انجام می گرفت که امروزه به نام حماسه سازان از آنان یاد می شود. یکی از منابع مهم حماسه در ایران شاهنامه فردوسی است که آینه ای از روزگاران ایران باستان به شمار می رود. بخش هایی از آن زندگی نامه زنان شجاعی است که نامشان مترادف واژه «پهلوان» است و یکی از این زنان، دختری است از دوره کیانیان شاهنامه. نام پدرش گژدهم است و در دژ سپید روزگار می گذراند. روزی سهراب، فرزند رستم، پهلوان ایرانی، در مسیر پیدا کردن پدر، به دژ سپید رسید و چون سهراب قصد کرد وارد دژ شود، نگهبان دژ مانع شد. نبردی در گرفت و فرجام چنین گشت که نگهبان اسیر سهراب شد. خبر به گوش گردآفرید رسید.

زنی بود بر سان گردی سوار / همیشه به جنگ اندرون نامدار
کجانام او بود گردآفرید / زمانه ز مادر چنین ناورد

در تفکر و اندیشه گردآفرید نمی گنجد که ایرانی تباران به اسارت درآیند، و آماده رزم می شود اما نبردی تن به تن میان یک زن با مرد است و اینجا خود را ملبس به پوششی مردانه و گیسوان زیبای خویشتن را پنهان می کند تا ظرافت زنانگی بر غرور و تعصب ایرانی وی چیره نشود و چنین پای به میدان کارزار می نهد. او شروع به تیراندازی به سمت دشمن می کند و حریف که او را توانمند می یابد، سر خویشتن را پشت سپر پنهان می کند و نیزه به سمت جنگاور دژ می اندازد و زره بر تن جنگاور پاره می شود. گردآفرید رو به سمت دژ می رود. سهراب نیز به دنبال او و نیزه های دیگر به کلاه خود او پرتاب می کند. کلاه خود از سر گردآفرید می افتد و رازش بر حریف آشکار می شود. چشم سهراب که به جنگ تن به تن آمده است به چهره زنی زیبا ملبس به لباس رزم می افتد، دلش می لرزد و سعی می کند با سخن مهر بر دل گردآفرید اندازد اما گردآفرید در سر هوایی دیگر دارد. یک طرف ایران است و ایرانیان و یک طرف زن است و بار سنگین مام زمین بودن. چگونه تن به تسلیم دهد و دل بسپارد به حریف وقتی سرفرازی ایرانش آرزوست؟ از وزن است تا حیات را تکثیر کند نه آنکه خود موجب اسارت تبار ایرانی شود. گردآفرید نیروی بازو را فراموش می کند و به درایت خویشتن متوسل می شود تا چگونه سخن بگوید که هم خویش را راه سازد هم دژی را نجات دهد و هم نام ایران را استوار نگاه دارد. لب به سخن باز می کند و رو به حریف جوانش می گوید: اکنون که راز من هویدا شد و دیگران نظاره گر بودند، گمان بد به دل دیگران راه پیدا می کند. بگذار آشتی ما پنهان بماند. پس من به داخل می روم و دیگر دژ و هر آنچه در دژ هست از آن تو. سهراب رخصت می دهد و گردآفرید وارد دژ می شود و پیش از آنکه سهراب وارد دژ شود، در دژ را می بندند. گردآفرید چون به مأمن خویش پای می نهد، دل قوی می دارد و بر بالاترین نقطه دژ می رود و فریاد می زند: بیهوده دل خود امیدوار نساز که مرا سازشی با تو نیست، و حریف ناامید می رود. داستان گردآفرید بخشی از حماسه آفرینی زنان ایرانی است. حماسه ساز بودن برای زنان دشوارتر از مردان است اما همواره ایران را زنانی هست که ظرافت زنانگی خویش را در روح حماسه و شجاعت دمیده اند تا حیات ببخشند تا ظلم و جنگ نابود و آرامش نصیب ملتشان شود.



شهربانو

۲۳ شهریور
۲ خرداد ۱۴۰۱
۲۱ شوال ۱۴۴۳ شماره ۴۷۱

(۷)



سمانه سلطانی
کارشناس ارشد شهرسازی

زنانی که با آتش دویده اند

جای بانوانی که در هشت سال دفاع مقدس پشیمان و همراه بوده اند در یادمان و نمادهای شهر مان خالی است

چند وقت پیش خبری از درگذشت یکی از بانوان پرستار هشت سال دفاع مقدس که از قضا او را می شناختم و پای صحبت هایش نشسته بودم منتشر شد، بانویی که سال های زیادی از عمرش را صرف ایثار و شهادت کرد. جست و جو که کردم، جز مصاحبه ای کوتاه از او چیزی نیافتم با اینکه می دانستم حرف ها و خاطراتش و البته همه فعالیتش در سی سال اخیر تا چه اندازه می توانست برای دختران و بانوان و نسل امروز جذاب باشد.

از طرفی، تاریخ نشان می دهد زن در فرهنگ، هنر و تمدن ایران دارای نقش بسیار مهمی بوده است. نقوش و مجسمه های بسیار زیاد از ایزدبانوها و الهه های مادر که در حفاری های باستان شناسی مکان های گوناگون به ویژه در دوران پیش از تاریخ ایران یافت شده است گواه این مدعا است. در واقع، زنان در ایران همواره موضوع آفرینش هنری بوده اند. بنابراین استفاده از موضوع زن در مجسمه سازی امری نو نیست و در گذر تاریخ همواره مورد توجه قرار داشته است.

اکنون، هر چند آماری رسمی از تعداد المان ها و بناهای یادبود ویژه زنان در شهر مشهد در دسترس نیست، نگاهی کلی به شهر نشان می دهد تعداد این آثار انگشت شمارند.

بر اساس گزارشی که در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است، بیشتر بناهای یادبود و مجسمه ها در سطح کل جهان متعلق به مردان هستند. برای نمونه، در بریتانیا نیز بر اساس آماری که از پایگاه داده انجمن آثار و مجسمه سازی عمومی منتشر شده است، ۹۲۵ مجسمه وجود دارد. با این حال، تنها ۱۵۸ مورد از آن ها مجسمه زنان مستقل هستند، فقط ۱۵ درصد از کل آثار ملی. تحقیقات نشان می دهد که حتی از این ۱۵۸ مجسمه بیشتر آن ها متعلق به خانواده سلطنتی، شخصیت های افسانه ای یا تمثیلی بوده است. در واقع، تنها ۲۵ مجسمه از زنان با شخصیت علمی، فرهنگی یا ادبی در بریتانیا وجود دارد.

هر چند در سایر کشورها نیز تعداد مجسمه ها و المان ها برای بزرگداشت زنان در مقایسه با مجسمه های اختصاص داده شده کم رنگ دیده می شود. برای نمونه، می توان به مجسمه بانو نورعنایت خان، قهرمان عملیات ویژه جنگ جهانی دوم، اشاره کرد که در پارک گوردن اسکوتر لندن نصب شده است. خان تنها زن مسلمانی است که در بریتانیا با مجسمه عمومی گرامی داشته شده است.

شربانی یاسو، بانوی نویسنده ای که زندگی نامه نورعنایت خان را نوشته است، از روند ساخت این مجسمه می گوید: ساختن تنها مجسمه یک زن مسلمان در بریتانیا کار آسانی نبود. دو سال طول کشید برای ساخت این یادمان بودجه دریافت شود. ما مجبور به نامه نگاری های زیادی شدیم تا زمانی که احساس کردم انگشتانم در حال افتادن اند. یاسو با اشاره به مجسمه برنده جایزه نوبل رابیندرانات تاگور در میدان گوردون و نیز مجسمه گاندی در لندن می گوید: یکی از موانعی که هرگز آشکارا بیان نشد، احساس وجود مجسمه های بیشتر از مردم آسیا در لندن بود و این کار را بسیار سخت می کرد زیرا نور علاوه بر هندی بودن، یک زن مسلمان و نسبتا ناشناخته بود. ما واقعا باید برای به دست آوردن این درخواست می جنگیدیم. او با راه انداختن پوششی، حمایت عمومی را نیز با خود همراه کرد و سرانجام موفق به نصب این مجسمه در شهر لندن شدند. باید توجه داشت زنان ایرانی به اندازه مردان با اندیشه های نو، فرهنگ، ادبیات، هنر، علم و دانش آشنایی داشته اند و دارند و به تصویر کشیدن آن ها در آثار هنری می تواند هم سبب ماندگاری و بزرگداشت نام و یاد آن ها و هم افتخاری برای ایران زمین در سراسر جهان باشد، به ویژه به تصویر کشیدن زنانی که اگر پشیمانی آن ها در هشت سال دفاع مقدس نبود، هرگز نمی توانستیم آن حماسه ها را خلق کنیم.